

120226

Fatimid
- Hazbun
- St. Deni
740
741

ORON, Asaf & others. A new type of composite anchor dated to the Fatimid-Crusader period from the Dead Sea. *International Journal of Nautical Archaeology*, 37 ii (2008) pp.295-301.

120226

1811 NORRIS, Jacob. Toxic waters: Ibrahim Hazboun and the struggle for a Dead Sea concession, 1913-1948. *Jerusalem Quarterly*, 45 (2011) pp.25-42. [History of the industrial activity in Dead Sea and the experience of Hazbun, a Catholic merchant trader from Bethlehem.]

St. Deni

The texts and images of all the
Dead Sea Scrolls are now, for the first time,
available online

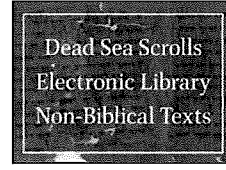
Lu + Gölcü (120226)

Dear Fatih Cardakli,

Brill is proud to announce the launch of the Non-Biblical Texts, on an unrivalled online platform, edited by world renowned expert in the field, Emanuel Tov. This unique publication is in response to the growing demand for a global accessibility to these fascinating ancient texts.

The *Dead Sea Scrolls Electronic Library Non-Biblical Texts* provides users with a comprehensive tool for the study of the non-biblical texts from the Judean Desert (the "Dead Sea Scrolls"). You can find high resolution images of the Non-Biblical Dead Sea Scroll fragments and all the texts, in the original languages and in translation, mainly reproducing the editions from the prestigious *Discoveries in the Judean Desert Series*, often updated, with morphological analysis and search programs. You will be able to search content using a sophisticated inventory, and examine finer details of the original texts through search options and zoom possibilities for the images. Never before has such comprehensive information been available in one place.

For more information, please visit our website.



Dead Sea Scrolls Electronic
Library – Non-Biblical Texts
Editor: **Emanuel Tov**
Technical advisor: **Ariel Tov**

Purchase Options and 2016 Prices

- Outright Purchase Price:
EUR 4,930 / US \$ 5,940
- brill.com/dsno

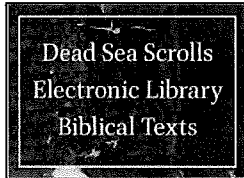
Free trial available!

Dead Sea Scrolls Electronic Library Non-Biblical Texts is available for a free 30-day institutional trial. To arrange your trial please ask your librarian to contact our Sales department at sales-us@brill.com (the Americas) or sales-nl@brill.com (Europe, Middle East, Africa and Asia-Pacific).

20 Temmuz 2016

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Related product



Dead Sea Scrolls Electronic Library – Biblical Texts
Editors: **Donald W. Parry** and **Andrew C. Skinner**. In consultation with: **Emanuel Tov**
and **Eugene Ulrich**. Technical advisor: **Ariel Tov**

- ISSN: 2451-9383

Purchase Options and 2016 Prices

- Outright Purchase Price: EUR 2,430 / US\$ 2,930
- brill.com/dsbo

For more information, please visit our website.

Back
to
top

All of Brill's books are published simultaneously in print and electronic formats. For more information about all our E-Book purchase options, please visit our website.



Brill's MyBook program gives users with access to an E-Book on BrillOnline.com the option to purchase a paperback copy for only EUR 25 / US\$ 25 per copy.



Share
this
email



Subject
Catalogs
Price
Lists
Brill
Online
Resources
Journals
Brill
Open

Library
Recommendation
Form
Author Gateway
Latest News
Course Adoption
Brill's Developing
Countries
Program

120226

Lit Gole

876 GOREN, Haim. *Dead Sea level: science, exploration and imperial interests in the Near East*. London: Tauris, 2011 (Tauris Historical Geography series, 6). 360pp. [19th century.]

- Lut gölü

GAUTIER, L. Autour de la Mer morte. Mémoires de la Société de géographie de Genève 39 (1900), 25-146. *Lut Göle*

GAUTIER, L. La mer morte. Ciel et terre 22 (1901/1902), 55-64. *Lut Göle*

06 AGUSTOS 1991

- Ürdün
- Lut Göle

MOLYNEUX (Lt.). Expedition to the Jordan and the Dead Sea. Journal of the Royal Geographical Society of London, 18 (1848), pp. 104-130. *لوت göle*

06 AGUSTOS 1991

- Lut Göle

MONTFORT. Promenade à la Mer morte. Revue de l'Orient 1 (1843), 416-431. *Lut Göle*

06 AGUSTOS 1991

LUT GÖLÜ 15 TEMMUZ 1992

al-Ābidī, Mahmūd.
Makhtūṭāt al-Baḥr al-Mayyit / Mahmūd al-Ābidī.
— 'Ammān : Manshūrāt Dār al-Thaqāfah wa-al-Funūn, 1967.
402 p. : ill., facsim., maps ; 23 cm.
Based on Millar Burrows' The Dead Sea scrolls. Arabic
I. Burrows, Millar, 1889- The Dead Sea scrolls. II. Title.
BM487.A73 NE68-245 neb 9-12219
DLC C4HC GY ICU IaU MH MIU MaU NJP OU UU

LUT GÖLÜ

- حسين عمر حمادة

مخطوطات البحر الميت : قصة اللغائف الكتابية والنحاسية التوراتية في كهوف قمران وعين الفسحة وأدوية المربعات والدالية / حسين عمر حمادة. عمان : دار منارات للنشر، ١٩٨٢. — ١٤٣ ص.

- Lut Göle

FALLMERAYER, J. P. Das Todte Meer. Abhandlungen der historischen Klasse der königlich-bayerischen Akademie der Wissenschaften 7 (1855), 41-144. *Lut Göle*

06 AGUSTOS 1991

- Lut gölü

KERSTEN, O. Umwanderung des Todten Meeres im Frühjahr 1874. Zeitschrift des Deutschen Palästina-Vereins 2 (1879), 201-244. *Lut Göle*

06 AGUSTOS 1991

- Lut gölü

GAUTIER, L. Autour de la Mer morte. Mémoires de la Société de géographie de Genève 39 (1900), 25-146. *Lut Göle*

06 AGUSTOS 1991

02 AĞU 2010

0268 Al-Nawāšira, 'Awwād 'Āyid Al-baḥr al-mayyit : dirāsa ḡuḡrāfiya tāriḥiyya / 'Awwād 'Āyid al-Nawāšira. - T. 1. - 'Ammān : Dār Faḍā'āt li-l-Našr wa-l-Tawzī', 2009. - 164 p. : il., fot., mapas ; 24 cm
Bibliografía: p. 155-164
1. Mar Muerto - Descripción I. Título.
910.4(262.27)
ICMA 4-34396 R. 67917

Ali Deniz
Lut Göle

MADE İZMİR ANİTAN
SONRA GELEN DÜKÜMAN

دشنامه جهان اسلام (۲)، تهران، ۱۳۷۵

IRICA-36492

بحر لوط

۳۲۷

و قبری که به آن حُمر گویند و همان قفرالیهود است. گویند، رود اردن به دریاچه منتنه می‌ریزد و در سرزمین هند بیرون می‌آید» (ص ۷۹). به نوشته یعقوبی (متوفی ۲۸۲)، کوره بیت جبرین شهری قدیمی است. دریاچه مرده در آن شهر قرار دارد و از آن حمره که مومیاست استخراج می‌کنند (ص ۳۲۹). ابن فقیه، معاصر یعقوبی، چهار چیز را از عجایب سرزمین شام می‌داند؛ یکی از آنها دریاچه منتنه است که چیزی در آن غرق نمی‌شود و هرچه در آن می‌افتد بر سطح آب شناور می‌ماند (ص ۱۱۸). بر کناره دریاچه گلی است به نام حمر که باغهای فلسطین [بویژه درخت خرما] را با آن لقاح می‌دهند (اصطخری، ص ۶۴). سهراب (ص ۷۹) در جدول دریاچه‌های کتابش از بحیره المنتنه نام برده است. به نوشته مسعودی (ص ۷۴) رود اردن دریاچه منتنه را می‌شکافت تا به وسط آن می‌رسد، آنجا فرومی‌رود و میان کفرسابای برید ورمه [از سرزمین فلسطین از چشمه‌ای بزرگ به نام نهرابی فطرس بیرون می‌آید و به دریای روم (مدیترانه) می‌ریزد. آب دریاچه، مانند جیوه، سنگین است. صاحب حدودالعالم (ص ۱۴) می‌نویسد: دریای مرده آبش تلخ و درازایش سه روز و پهنایش دو روز راه است. مقدسی یگانه بندر کنار دریاچه یعنی زُغر را چون بصره کوچک دانسته که بندری سودآور بر کنار دریاچه مقلوبه است و مردمش سیاه چرده و درشت‌اندام و آبش همانند آب جهنم است و آن را باقی مانده شهرهای لوط می‌داند (ص ۱۷۸). به گفته رانسیمان (قبل از ۴۹۴/۱۱۰۰) بالدوین (بغدوین) امیر فرنگیان پس از ناکامی در برابر دژ عسقلان به سمت مشرق بازگشت و به حبرون آمد، از آنجا به زُغر که در شوره‌زار واقع در رأس جنوبی بحرالमित بود، رفت و هنگام پیشروی روستاهای سر راه خود را آتش زد (ج ۲، ص ۸۱). از ۵۰۵ به بعد، این امیر (بالدوین) تصمیم گرفت که منطقه میان خلیج عقبه و بحرالमित را زیر سلطه خود درآورد و دولت مصر را از جهان مسلمان شرق جدا کند (همان، ص ۱۱۲). در ۵۲۷ پادشاه صلیبیان فُولک، ماوراء اردن و قلمه موتوال را به یکی از درباریان خود به نام پاکان سپرد. او توانست جنوب بحرالमित را زیر نظر گیرد (همان، ص ۲۶۶). به نوشته ابن اثیر (ج ۱۱، ص ۴۹۰)، در ۵۷۸ پرنس (شاهزاده صلیبی) فرمانروای کَرَک در این شهر کشتهایی ساخت. او که می‌خواست برای تاراج کاروانهای عازم مکه از راه دریا، ناوگانی بر روی دریای احمر راه بیندازد، زورقهایی را که از چوب درختان جنگلهای ماب (موآب) ساخته بود، ابتدا در بحرالमित آزمایش کرد (رانسیمان، ج ۲، ص ۵۱۰). یاقوت (ج ۱، ص ۵۱۶) در قرن هفتم، با تأیید گفته‌های جغرافیدانان پیشین، می‌نویسد که این

تکمله. بحرلوط دریاچه‌ای است شور در مرز اسرائیل و اردن با جهت شمالی - جنوبی. شمال آن غور اردن و جنوبش وادی عَزَبه است که تا بندر عقبه، کنار بحراحمر، امتداد دارد. سرزمین سُدوم باستانی نیز در آن واقع است. در شمال غربی دریاچه، شهر اورشلیم (بیت المقدس) در چهل کیلومتری و شهر الخلیل (حبرون) در شصت کیلومتری مغرب آن قرار دارد. در مشرق دریاچه، سرزمین موآب است و شهر کَرَک، مرکز آن، در پنجاه کیلومتری جنوب شرقی دریاچه واقع است. از بندر عقبه در ساحل بحراحمر (دریای سرخ) به سمت شمال راهی است که از ساحل غربی دریاچه و از آبادیهای ساحلی عبور کرده، در شمال دریاچه به شهرهای اریحا و بیت المقدس در شمال غربی متصل می‌شود. راه عمان - بندر عقبه از فاصله ۴۵ تا پنجاه کیلومتری ساحل شرقی دریاچه می‌گذرد و انشعابی از آن به شهر کَرَک و از آنجا به سه یا چهار کیلومتری دریاچه می‌پیوندد.

طبق روایات قدیمی، نبطیها در آغاز چوپان و دوره گرد و گروهی از آنان صاحب کاروانهای تجارتي بودند و در اطراف بحرالमित سکونت داشتند، از سواحل شرقی دریاچه، قیر استخراج می‌کردند و برای فروش به مصر می‌بردند.

بایتخت نبطیها حدوداً در پنجاه میلی جنوب بحرالमित واقع بود. امروز آثار ویرانه‌های شهر قدیمی موآب در چهارده میلی شرق بحرلوط بالا و اطراف تپه‌ای قرار دارد (جوادیعلی، ج ۳، ص ۱۷، ۵۳، ۶۷). یکی از فرزندان اسماعیل به نام قیدما (= قیدمان، قیدار) با خانواده‌اش در مناطق شرقی فلسطین، اطراف بحرالमित سکونت کرد و این دریاچه در زبان عبری به دریای قدمونی یا دریای شرقی معروف شد (همان، ج ۱، ص ۲۹-۳۰). در سال ۸ هجری، سپاه روم در مؤته (در سرزمین موآب قدیم، در مشرق دریاچه) بر سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیروز شد (طبری، ج ۲، ص ۱۶۱۰ به بعد؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۵۸، ۱۵۹ و ۱۶۰) و هرقل کمک مالی به قبایل عرب را، که در جنوب بحرالमित بر راه مدینه - غزه اقامت داشتند، قطع کرد (حتی، ص ۱۸۳). در ۱۳، رومیان در محل عربی (جنوب بحرالमित) جمع و آماده جنگ شدند. یزیدبن ابی سفیان عده‌ای را به فرماندهی ابوامامه باهلی به جنگ آنان فرستاد؛ رومیان شکست خوردند و منهزم شدند (ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۰۵). به گفته حتی (ص ۱۹۰) محل این جنگ وادی عربی، فرورفتگی بزرگی در جنوب بحرالमित، است. ابن خردادبه، نخستین جغرافیدانی است که از این دریاچه با نام دریاچه مُنْتَنَه (سُدوم) یاد کرده و می‌نویسد: «بدون شک فاصله آن تا بیت المقدس چهار میل است، از آن نمکی بیرون می‌آورند که برای رنگرزی خوب است

العبوة بهدف ضبط جودة المنتج.

كما تضمن توصيات خاصة بالإعلان عن التركيب الكيميائي للماء على

عبدالله يعقوب، بشار إبراهيم

الموضوعات ذات الصلة:

المياه (معالجة) - المياه الجوفية - النبع.

مراجع للاستزادة:

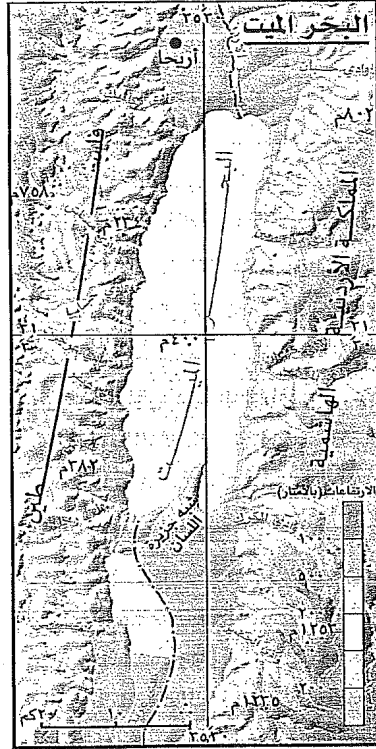
- General Standard for Bottled/Packaged Drinking Waters (Other Than Natural Mineral Waters, CODEX 2001).

- Codex Standard for Natural Mineral Waters (CODEX Stan 108-1981, rev. 1-1997).

■ الميت (البحر-)

معين، وادي الموجب، وادي الكرك، وادي الحسا ووادي عربة الذي ينحدر بجزئه الشمالي باتجاه البحر الميت وجزئه الجنوبي باتجاه البحر الأحمر، ومن جهة الغرب (فلسطين المحتلة) تبدأ الأودية من الجنوب باتجاه الشمال بوادي الفجة يليه وادي في، وادي حنزورة، وادي السيل و وادي النار في الشمال الغربي منه.

ومن الناحية الجيولوجية يعد البحر الميت جزءاً من منظومة الانهدام الآسيوي الإفريقي الذي تشكل في الحقب الثالث، وقد وضعت نظريتان لتحديد أسباب نشوئه، عرفت الأولى بنظرية الحركات البنائية العمودية vertical tectonic movements، وتقول أن البحر الميت كان - وما زال - منطقة ضعف محصورة بين صدعين، ينطبق الأول على خط الشواطئ الشرقية، ويعرف بانكسار الريشة، في حين ينطبق الثاني على خط الشواطئ الغربية، ويعرف بانكسار وادي الأردن، وقد أدى هبوط الوادي المستمر إلى تشكل ما يعرف بالخور Graben. أما النظرية الثانية فتقول إن هناك إزاحة أفقية horizontal displacement، نتيجة تحرك كتلة الأردن إلى الشرق من كتلة فلسطين، وتراوحت التقديرات لمسافة الإزاحة بين ٧٠-١٦٠ كم، أما عن أصل البحر الميت فقد ارتبطت المساحة التي كان يغطيها بطبيعة المناخ القديم للمنطقة، فقد كان البحر عبارة عن



ذلك بكمية المياه الواردة إليه، والمتبخرة منه، ويعد نهر الأردن (الشريعة) المصدر الرئيسي لمياه البحر الميت، إذ يمدّه بنحو ٧٥% من مياهه، والباقي يأتيه عن طريق الأودية السيلية ومياه الأمطار. وقد شهد مستواه تغيراً سلبياً في الآونة الأخيرة بسبب تحويل مياه نهر الأردن إلى فلسطين المحتلة، وتعرض مياه نهر اليرموك للسرقة من قبل إسرائيل، وهو أهم روافد نهر الأردن الذي ينتهي إلى بحيرة طبريا شمالاً - ومن الأودية السيلية المهمة التي ترافده من الشرق (المملكة الأردنية الهاشمية) بدءاً من الشمال حتى الجنوب: وادي زرقاء

البحر الميت Dead Sea بحر مغلق يمثل أدنى بقاع الأرض، وسمي بالميت لخلو مياهه من الأحياء بسبب ارتفاع درجة ملوحتها، ويقع فلكياً بين دائرتي عرض ٣١° ٥' و ٣١° ٤٥'، وخطي طول ٣٥° و ٣٥° ٣٥'، أما جغرافياً فيقع بين المملكة الأردنية الهاشمية التي تحده شرقاً، وفلسطين المحتلة غرباً، ويرأوح طوله بين ٧٥-٨٠ كم، وعرضه بين ٣-١٦ كم، أما مساحته فتقدر بـ ١٠٤٠ كم^٢. ويتكون حالياً من حوضين يفصل بينهما ما يعرف بشبه جزيرة اللسان، ويرأوح عمق الحوض الشمالي بين ٣٨٣-٣٩٥ م تحت مستوى سطح البحر، مقابل ١-٦ أمتار تحت مستوى سطح البحر للحوض الجنوبي مشكلاً نحو ٢٤% من المساحة الإجمالية، وقد جُفّف حالياً بهدف استخراج البوتاس، وشهد مستوى سطح البحر تغيرات ملموسة عبر الزمن، حيث بلغ مستوى سطحه عام ١٨٦٥ نحو ٣٩٣,٨ م، و-٤٠٦ م في عام ٢٠٠٠، ويقدر العلماء أنه سيتحول إلى منخفض جاف بعد ١٠٠٠ سنة في حال استمرت ظروفه الجغرافية على ما هي عليه اليوم، كما أكدت البعثة الأمريكية للمسح الجيولوجي أنه يجب أن يتدفق إليه نحو ٩٠٠ مليون م^٣/سنوياً حتى يصير بالإمكان المحافظة على مستوى سطحه، ويدهي القول إن تغير مستوى سطحه يؤدي إلى إحداث تغيير في أبعاده و مساحته وأعماقه، ويرتبط

LUT GÖLÜNDE VAPUR İŞLETME TEŞEBBÜSLERİ

İlhan EKİNCİ*

SUMMARY

The first attempt to steaming in and around lake Taberiyye through Lut and Sharia rivers occurred following the inspection of Ottoman Royal lands in the region. Although the local administrations and the Royal Land Administration supported the project, it was not realized for several reasons. A similar proposal put forward by the Jerusalem Patriarchate did not receive permission from the Hazine-i Hassa administrators. The main reason for the refusal was the intention of Hazine-i Hassa and other responsible persons to maintain this lucrative business under their control. There were some political reasons too. These following reasons also need to be pointed out: first, the Hijaz Railway was put into service so the need for steaming lost its weight in transportation. Second, the insignificance of economic potential and amount of investment as well as risks involved. Finally, the hard conditions of geography in the region.

Giriş

Lût gölü, deniz seviyesinden 395 metre aşağıda bulunan yüzeyiyle, Ürdün vadisinin güneyinde tektonik bir çukurlukta yer almaktadır. Uzunluğu 85, ortalama genişliği 17 kilometre olan göl, Yunan ve Roma kaynaklarında yüzeyinde toplanan ziftten dolayı "Asfalt Gölü", Ortaçağ Batı kaynaklarında "Ölü Deniz" olarak adlandırılmıştır. İslam coğrafyacıları tarafından onbirinci yüzyıldan sonra Lût adı kullanılmaya başlayan gölde Ortaçağlarda canlı bir nakliyat vardı. Haçlılar döneminde de gölde asker ve yük taşındığı bilinmektedir. Fakat daha sonraki asırlarda göl ve çevresi ekonomik önemini yitirmişti. Doğudan Suriye vilayeti (Kerek Sancağı), batıdan ise Kudüs Mutasarrıflığı ile çevrilen¹ gölde, ondokuzuncu yüzyılın ikinci yarısında ulaşımın yeniden canlandırılması için teşebbüse geçildiği görülmektedir.

XVII. yüzyılda büyük ticarî gelişme ve bunun sonucu olarak dünyada ortaya çıkan yeni ticarî eğilimler ve yollar, XIX. yüzyılda buhar makinesinin kara ve deniz taşıtlarında kullanılmasıyla beraber daha büyük bir ticarî gelişme ve büyümeyi de beraberinde getirmiştir².

* Ondokuz Mayıs Üniversitesi Ordu Fen-Edebiyat Fakültesi Tarih Bölümü.

¹ Besim Darkot, "Lût Gölü", *İslam Ansiklopedisi* 7, İstanbul 1993, s. 91-93; Vapur işletme teşebbüslerinin devam ettiği sırada Lût gölü ile ilgili olarak Ceride-i Bahriye'de bir tanıtım yazısı çıkmıştı. *Ceride-i Bahriye*, Numara 358, 5 Şevval 1320, 24 Kânûn-ı Evvel 1318 (04.01.1903), s. 18-19.

² Edward Mead Earle, *Bağdat Demiryolu Savaşı*, (Çev. Kasım Yargıcı), 1972, s. 11.

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

6002 SAYI

الغور وبحيرة لوط

جناب منشي المتتطف المحترمين

لقد نصفت بشكر البذرة التي نشرتها في متتطفكم النفيس تحت عنوان "صحراء افريقيا" المتضمنة ان معدل انخفاض سطح هذه الصحراء عن سطح البحر ثمانون قدماً وأنه قيل ان في نية الدولة الفرنسية ان تفتح خليجاً من البحر فتهبلى ماءً وتصبج جزءاً عظيماً منه ولا تخفى الثرائد العديدة الناجمة عن هذا العمل المهم الخ. ولما كان يوجد في بلادنا ارض منخفضة عن سطح البحر كثيراً احببت ان اكتب اليكم ما طالته بجهتها في بعض الكتب والخريطات الفرنسية واليونانية راجياً ان تكرموا بادراجي في احداث اعداد متتطفكم وتذيلوه بما يتم الافادة. ان الاراضي المذكورة في عبارة عن سطح بحيرة لوط والاراضي التي تحدها جنوباً الى الارتفاعات التي تسمى "السطح" وعن جميع الاراضي التي يجتريها نهر الاردن من ابتداء بركة الحولة وبحيرة طبرية الى مصبه في بحيرة لوط والبحر الميت اب كل الاراضي المسماة "النور". ولم يتحقق انخفاضها بطريقة علمية الا منذ عهد قريب وذلك نحو سنة ١٨٤٢ حينما عمل ارباب السياحة من الاوربيين جهدهم في بيان. ومع انهم اختلفوا في تقدير معدل الانخفاض فقد اجمعوا انه عظيم يتعذر وجود مثال له على سطح كرتنا الارضية فقال مسيو برتوان انخفاض سطح بحيرة لوط عن سطح البحر ٤١٩ متراً وقرر مسيو ديكروس ان معدل كامل الانخفاض ٤٢٦ وواقفه على ذلك مسيو سيوند الذي قال انه ٤٢٧ متراً اما اللبوتيان لشيخ فقد اعلن ان الانخفاض ليس باقل من ٤٢٦ متراً وبناء عليه نرى ان هذا الانخفاض هو مرات عديدة اكثر من انخفاض صحراء افريقيا

فهذه الاراضي التي لاتاتي الا باضرار على البلاد المجاورة لما يمنع اتصالها مع المدن الشهيرة لو فتح لها خليج من البحر الاحمر بين خليج عنتبة وبحيرة لوط وغمرتها المياه بنوع انه ولو الى بحيرة طبرية فقط لجاء هذا العمل بفوائد حمة اولها تحسين المناخ ثانياً تسهيل الاتصاليات مع كامل الاراضي المجاورة بواسطة بحر يتد الى قلب سوريا والاتصال مع البحر الاحمر والافطار المصرية والهند الخ. وثالثها الخيرات التي تنبع عن تحويل مجرى نهر الاردن الى اراض تصلح للزراعة عوضاً عن مرور سرعه العجيبة في وادي الغور بدون ان ياتي بفائدة البتة (الا يصح قولي هذا عن نهر الليطاني ايضاً) نعم انه يتم عن ذلك تدمير بعض قرى على انه كم من مدينة تنفض حينئذ غبار الاندثار عنها وتنهض لتكتسب رونقها القديم. ولا نعجب من فكر كهذا فقد جرى في العالم امور واعمال عظيمة منها ما قد تم ومنها ما لم يتم بعد وذلك كفتح خليج السويس ووصل انكلترا بفرنسا بسكة حديدية تمر تحت بوغاز

البحر الميت

لجناب المعلم جرجس بيها

لما كان البحر الميت موضوع مباحنة كثيرة الفوائد لاسيما للسوريين وكان المتكطف الجريدة القائمة بامر نشر الحقائق العلمية لا فائدة الراغبين فقد اخذت مع قصر باعي بتدوين هذه الجملة راجياً ان تكرموا بنشرها لعلها لا تخلو من فائدة . فاقول

ان هذا البحر من اعجب البحار واغربها بالنظر الى كثرة معادنه وتغير احواله . وهو واقع الى جنوبي ارض فلسطين بين جبال مواب شرقاً وجبال يهوذا غرباً وعلى سبعين ميلاً من بحر الجليل جنوباً وقد حسبوا ان انخفاض سطح مائه عن سطح البحر المتوسط نحو ١٢٢ قدماً وطوله من الشمال الى الجنوب نحو ٤٦ ميلاً واعرض مكان منه نحو اثني عشر ميلاً وعمق مائه مختلف فيه . قال العرب الذين يسكنون في جوارها انه لا يثبت على حالة واحدة فتارة يسفل وطوراً يرتفع واما ذرو العلم من السياح فقد قاموا عمقه فاذا هو قامة ونصف في اقل اما كبحر غوراً ثم يزداد بالتدرج حتى انه يبلغ ٢١٨ قامة واكثرهم يقولون انه كان اصغرماً هو الآن وكان محصوراً في الجزء الشمالي المنخفض منه وكان في جنوبيه سهل مخصب جداً شبه بارض مصر ووسم بحينه الرب وسمي عمق السديم اي غور السهول وكانت فيه المدن الخمس سدوم وعمورة وادمه وصوبيم وصوغر التي لكثرة شرها اهلكها الله حريقاً بالنار وقلب هذا البحر عليها فغمرها . وما يمتاز به هذا البحر مرارة مائه التي تزيد على مرارة ماء البحر الكبير تسع مرات وكثافته بحيث لا يفرق فيه ما يسفل غرقه في غيره فترى الانسان يعم على سطحه كخشبة سواء كان قاعداً او جالساً او قائماً لما فيه من الاملاح المعدنية الذائبة . قال بعض الكيماويين انها تبلغ ٢٥ جزءاً في كل ١٠٠ جزءاً منه ولذلك سمي ببحر الملح . قيل ان من اطال الاستحمام فيو ربع ساعة او ثلثها يكتسي جلدًا ملحاً يهيجه ويؤلمه فيفعل به كمنظفة من الذراح

ونائبه الاملاح المعدنية من الصخور الملحية المحيطة به فان منها في الجنوب الغربي جبلاً يدعى خشم اسدوم مؤلف من الملح الصخري ويمتد موازياً لهذا البحر نحو ١٥ ميلاً وعليه عمود من الملح طوله اربعون قدماً وقرب هذا الجبل كان موقع مدينة الملح والى الجنوب منه وادي تسمى وادي الملح والى الغرب من البحر صخور عديدة ملوثة من هذه الاملاح . وقد تسمى هذا البحر ببحر لوط نسبة الى لوط ابن اخي ابراهيم الخليل والبحر الميت لانه لا يعيش فيه حي مما يعيش في غيره من البحار . والحيوانات التي ترد اليه مع ماء الاردن تموت بعد استقرارها فيه مدة يسيرة فتنشأ منها رائحة كريهة . وقال بعض السياح ان على شاطئه شجر رمان ثمره كبير الحجم جميل المنظر وليس فيه الا غبار حريف

LUT GÖLÜNDE VAPUR İŞLETME TEŞEBBÜSLERİ

İlhan EKİNCİ*

SUMMARY

The first attempt to steaming in and around lake Taberiyye through Lut and Sharia rivers occurred following the inspection of Ottoman Royal lands in the region. Although the local administrations and the Royal Land Administration supported the project, it was not realized for several reasons. A similar proposal put forward by the Jerusalem Patriarchate did not receive permission from the Hazine-i Hassâ administrators. The main reason for the refusal was the intention of hazine-i Hassa and other responsible persons to maintain this lucrative business under their control. There were some political reasons too. These following reasons also need to be pointed out: first, the Hijaz Railway was put into service so the need for steaming lost its weight in transportation. Second, the insignificance of economic potential and amount of investment as well as risks involved. Finally, the hard conditions of geography in the region.

Giriş

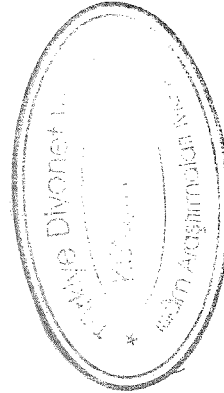
Lût gölü, deniz seviyesinden 395 metre aşağıda bulunan yüzeyiyle, Ürdün vadisinin güneyinde tektonik bir çukurlukta yer almaktadır. Uzunluğu 85, ortalama genişliği 17 kilometre olan göl, Yunan ve Roma kaynaklarında yüzeyinde toplanan ziftten dolayı "Asfalt Gölü", Ortaçağ Batı kaynaklarında "Ölü Deniz" olarak adlandırılmıştı. İslam coğrafyacıları tarafından onbirinci yüzyıldan sonra Lût adı kullanılmaya başlanan gölde Ortaçağlarda canlı bir nakliyat vardı. Haçlılar döneminde de gölde asker ve yük taşıdığı bilinmektedir. Fakat daha sonraki asırlarda göl ve çevresi ekonomik önemini yitirmişti. Doğudan Suriye vilayeti (Kerek Sancığı), batıdan ise Kudüs Mutasarrıflığı ile çevrilen¹ gölde, ondokuzuncu yüzyılın ikinci yarısında ulaşımın yeniden canlandırılması için teşebbüse geçildiği görülmektedir.

XVII. yüzyılda büyük ticarî gelişme ve bunun sonucu olarak dünyada ortaya çıkan yeni ticarî eğilimler ve yollar, XIX. yüzyılda buhar makinesinin kara ve deniz taşıtlarında kullanılmasıyla beraber daha büyük bir ticarî gelişme ve büyümeyi de beraberinde getirmiştir².

* Ondokuz Mayıs Üniversitesi Ordu Fen-Edebiyat Fakültesi Tarih Bölümü.

¹ Besim Darkot, "Lût Gölü", *İslam Ansiklopedisi* 7, İstanbul 1993, s. 91-93; Vapur işletme teşebbüslerinin devam ettiği sırada Lût gölü ile ilgili olarak Ceride-i Bahriye'de bir tanıtım yazısı çıkmıştı. *Ceride-i Bahriye*, Numara 358, 5 Şevval 1320, 24 Kânûn-ı Evvel 1318 (04.01.1903), s. 18-19.

² Edward Mead Earle, *Bağdat Demiryolu Savaşı*, (Çev. Kasım Yargıcı), 1972, s. 11.



MADDE YAPILAN KİTAN
SONRA GELİR DÜKÜMAN

62 SOUTHEAST DEAD SEA PLAIN

SOUTHEAST DEAD SEA PLAIN. In the Hebrew Scriptures the plain to the southeast of the Dead Sea is often described as devastated and unlivable, the probable location of the destroyed Cities of the Plain (*Gn.* 19:25, 29; *Dt.* 29:22). From Hellenistic times through the medieval Islamic period, the remnant site of Zoar (*Gn.* 19:22; Byzantine Zoara; Lat. Segor; Ar., Zughar) was located there. Recent archaeological surveys and excavations have traced a long occupational history for the region, beginning with the Paleolithic and Neolithic periods, with extensive and flourishing cultures during the Early Bronze, Nabatean-Roman, Byzantine, and Mamluk periods.

The northern limit of the habitable region is opposite the tip of the Lisan peninsula, slightly to the north of Wadi Jarra, where a steep ridge of hills descends only 250 m from the shoreline. A semicircle of high limestone cliffs 50 km (31 mi.) to the south, at the entrance to the 'Arabah defines the lower boundary. Between these limits, beginning at about -300 m mean sea level (m.s.l.), a series of *ghors* (valley floors), many with alluvial cones, are fed by perennial streams in wadis descending from the 1,200-meter-high mountains of the Jordanian plateau. Settlement has concentrated on the bordering hills or broad plains in and above the *ghors*. From north to south the major wadis are Ibn-Hamid, Kerak (including the Wadi edh-Dhra' in its lower reaches), 'Isal, Numeira, Hasa, Feifa, and Khanazir.

Unusual physical features have contributed to the lore and legend associated with this region. Salt-encrusted mud flats; rock-strewn plains; a desolate peninsula of sterile marl, clay, and thin layers of sulphur; constant mind-dulling, searing heat for most of the year, and an annual rainfall averaging 70 mm have led commentators to describe the region as a veritable hell, condemned by nature, and even by God (cf. the Hebrew prophets). Yet, during the winter months, with moderate temperatures and the wadis fed by the winter rains in the mountains above, it turns into a paradise—certainly a location pleasant enough to have allowed for major cultural occupation over lengthy periods.

Knowledge of the area's occupational history has emerged only gradually. Nineteenth- and early twentieth-century explorers and geographers often described ruins such as Sheikh Issa, Qasr at-Tuba, and Tawahin es-Sukkar in the Safi area, but they lacked chronological clues. A 1924 survey by William Foxwell Albright, Alexis Mallon, and M. G. Kyle was the first to date some of the sites, including the major site of Bab edh-Dhra', with reliable ceramic evidence. [*See Bab edh-Dhra'*; and *the biographies of Albright and Mallon.*] Subsequent visits to the area by F. M. Abel (1929), F. Frank (1932), and Nelson Glueck (1934) drew attention to additional sites on the Lisan, at Wadi es-Safi, and near Feifa. [*See the biographies of Abel and Glueck.*] Since 1973, more intensive and extensive surveys have built up an impressive list of sites. Walter Rast and R. Thomas Schaub (1973) have highlighted the Early Bronze Age and G. R. D. King (1982)

the Byzantine and later periods. Others have focused on subregions, such as David McCreery (1977), Vincent Clark (1977), and Mark McConaughy (1977) on the Sahl edh-Dhra' region; Siegfried Mittmann (1979) and Linda Jacobs (1981) on Wadi Isal; Frank Koucky (1983) on the Ghor en-Numeira; Udo Worschech (1983-1986) on the Ard el-Kerak (mostly on the slopes to the east, but sites to the north and east of edh-Dhra' in the Ghor were included); and Burton MacDonald (1985-1986) on the Southern Ghors, south of Safi.

Excavated sites include Bab edh-Dhra' (Lapp, 1965-1967); Bab edh-Dhra' and Numeira (Expedition to the Southeast Dead Sea Plain [EDSP], 1975-1983); Feifa and Khanazir (EDSP, 1989-1990); Waidha, near Dhra' (Koerber, 1992); the Chalcolithic cemetery at Bab edh-Dhra' (Clark, 1977); Neolithic Dhra' (Bennett, 1979) and 'Ain Abata (Politis, 1989-1992). [*See Dhra'.*]

Paul W. Lapp's excavations (see above) and those of the EDSP have made the Early Bronze Age the best-known period in the Ghor. Two towns, Bab edh-Dhra' and Numeira, were excavated over four seasons. Bab edh-Dhra' grew from an open village at the end of the fourth millennium to a 12-acre town with massive fortifications, an impressive sanctuary, and well-defined industrial and domestic areas. After a destruction in EB III it was again settled as a sprawling village in EB IV. The walled town of Numeira, which has many features in common with Bab edh-Dhra', also flourished in EB III. In the large cemetery at Bab edh-Dhra' changing burial practices (multichambered shaft tombs, large burial houses, and single stone-lined shaft tombs) correspond to the major phases of the Early Bronze Age. Other cemeteries are at Feifa and Safi, where Late Chalcolithic/EB I cist tombs are the basic type; the Khanazir cemetery has stone-lined EB IV shaft tombs marked on the surface by rectangular structures. [*See Burial Techniques.*]

Other periods explored by soundings and excavations are the Neolithic, Chalcolithic, Iron II, and Byzantine. Dhra' is a pit-dwelling and flint factory site in the Sahl edh-Dhra' belonging to Pottery Neolithic (PN) A. The EDSP also exposed similar PNA levels during its 1989 excavations in the plateau area east of Tell Feifa. In the Sahl edh-Dhra', seventeen tombs, constructed of concentric stone circles with monolithic stones in the center, were excavated and assigned to the Early Chalcolithic period. Soundings at Feifa by the EDSP in 1989-1990 revealed a walled town built in Iron II over EB I tombs. Five seasons of work at the Byzantine site of Deir 'Ain Abata, north of Safi, revealed an impressive reservoir with a water catchment and distribution system and a three-apsed basilica built next to a cave. Three mosaic pavements were uncovered that include Greek inscriptions, one of which mentions Lot (Politis, 1993).

Although surveys have listed more than two hundred sites, the majority of sites are small flint or sherd scatters. If the list is restricted to sites with excavated occupational levels

شمال، موسوم به جزایر بریتانیا را از جزایر بحر محیط دانسته اند (ابن رسته، همانجا؛ بتانی، ۲۶).

مآخذ: ابن خردادبه، عبدالله، المسالك والممالك، به كوشش دخویه، لیدن، ۱۸۸۹م؛ ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه، به كوشش خليل شحاده، بیروت، ۱۹۸۱/۱۲۰۱م؛ ابن رسته، احمد، الاعلاق النفیسة، به كوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۱م؛ ابوعبید بکری، عبدالله، المسالك والممالك، به كوشش وان لون و ا. فره، تونس، ۱۹۹۲م؛ اشکال العالم، منسوب به ابوالقاسم جیهانی، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، به كوشش فیروز منصوری، مشهد، ۱۳۶۸ش؛ بتانی، محمد، الزیج الصابی، به كوشش ک. نالیو، رم، ۱۸۹۹م؛ بلخی، محمود، بحرالاسرار فی معرفة الاخیار، کراچی، ۱۹۸۴م؛ بیرونی، ابوریحان، التفهیم، به كوشش جلال الدین همایی، تهران، ۱۳۵۲ش؛ همو، القانون السعودی، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۴ق/۱۹۵۵م؛ حافظ ابرو، عبدالله، جغرافیا، به كوشش صادق سجادی، تهران، ۱۳۷۵ش؛ حدود العالم، به كوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۶۲ش؛ دمشقی، محمد، نخبه الدهر، لایپزیگ، ۱۹۲۳م؛ زهری، محمد، الجغرافیه، به كوشش محمد حاج صادق، پورت سعید، مکتبه الثقافة الدینیة؛ فردینی، زکریا، عجائب المخلوقات، قاهره، ۱۳۷۶ق/۱۹۵۶م؛ گرمالی، پیر، فرهنگ اساطیر یونان و رم، ترجمه احمد بهمنش، تهران، ۱۳۶۷ش؛ مجمل التواریخ و القصص، به كوشش محمدتقی بهار، تهران، ۱۳۱۷ش؛ سعودی، علی، التنبیه و الاشراف، به كوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۳م؛ یاقوت، بلدان؛ نیز: BSE¹؛ EIP²؛ بهزاد لاهوتی

بَحْرُ الْمِیَّتِ، دریاچه‌ای در فلسطین که به واسطه فقدان حیات جانوری، به این نام (دریای مرده) مشهور شده است؛ اما در منابع مختلف و در میان اقوام گوناگون اسامی و القاب دیگری هم یافته است، چنانکه در تورات نام آن دریای نمک (بحر الملح) و دریای عربیه و دریای شرقی (سفر تشبیه، ۱۷:۳؛ صحیفه یوشع، ۱۶:۳، نیز ۱۲:۳؛ کتاب دوم پادشاهان، ۱۴:۱۴؛ کتاب حزقیال نبی، ۴۷:۱۸) آمده است، و رومیان و یونانیان آن را به سبب وجود قیر در جای جای دریاچه، دریای قیر (بحر الزفت) می نامیدند (اروین، 430؛ «دائرة المعارف...»، II/547). جغرافی دانان مسلمان آن را بحیره المُنْتَبِهَة (متعفن، بویناک) و بحیره المقلوبه (یاقوت، ۵۱۶/۱؛ ابن خردادبه، ۷۹؛ مقدسی، ۱۷۸، ۱۸۳)، و به سبب آبادی زُغَر در نزدیکی آن (یاقوت، ۹۳۴/۲)، بحیره زُغَر خوانده (ابوالفدا، ۳۹؛ دمشقی، ۲۶۸، ۲۷۹)، و با انتساب به سدوم، مسکن قوم لوط آن را بحیره سدوم، و با انتساب به قوم لوط آن را دریاچه یا دریای لوط هم گفته اند (قلقشندی، ۸۶/۴؛ ناصر خسرو، ۲۹-۳۰؛ برای برخی اطلاعات دیگر، نک: حدود العالم، ۵۶؛ ابن عبدالمنعم، ۴۳۱؛ یعقوبی، ۷۴؛ آغا، ۱۱۹؛ دباغ، ۱۱(۱)/۸۳).

این دریاچه مستطیل شکل (همانجا) بین ۳۱° تا ۳۱° و ۴۵° عرض و ۳۵° تا ۲۶° طول جغرافیایی قرار دارد (خمار، ۵۱) و از لحاظ ساختار زمین متعلق به سیستم گسترده‌ای است که از انتهای شمال غربی دریاچه سرخ تا خلیج عقبه، و در طول محور وادی عربیه - بحر المیت - دره اردن - دره بقاع (در لبنان) تا شمال غربی سوریه امتداد یافته است. این سیستم را گسل بحر المیت نیز نامیده‌اند (هلد، 34؛ نیز

ارانوس رب النوع آسمان و کوهستانها، و پدید آورنده امواج بود. اکتانوس در جریان مبارزه زئوس و اَلَمِیَّان باتینانها، جانب تینانها را گرفت؛ در نتیجه، زئوس حاکمیت خود را بر آبهای جهان مستقر ساخت. گروهی از ارباب انواع که بر دریاها و رودها فرمان می‌راندند، از خویشاوندان اکتانوس محسوب می‌شدند (همانجا؛ گرمالی، ۳۲۴/۱، ۳۲۲/۲-۶۳۳). جغرافی نگاران مسلمان به پیروی از اساطیر یونانی در آغاز، دریای پیرامونی را اقیانوس، و سپس بحر محیط، بحر اخضر، بحر اخضر محیط مغربی (دریای محیط سبز باختری)، بحر ظلمات و اقیانوس مشرق می‌خواندند (نک: حدود العالم، ۹؛ بیرونی، التفهیم، ۱۶۶؛ مجمل، ۴۷۰، ۴۷۰؛ دمشقی، ۱۷؛ بلخی، ۱(۱)/۱۳۳).

علمای قدیم در تعیین موقعیت جغرافیایی بحر محیط اختلاف نظر داشتند، ولی همه بر این باور بودند که این آب، ربع مسکون را از همه جهات احاطه کرده است (یاقوت، ۵۰۴/۱؛ اشکال، ۳۶)، برخی عقیده داشتند که این دریا از سرزمین حبشه تا بریتانیا را فرا گرفته است (نک: ابن رسته، ۸۵)؛ برخی نیز گفته‌اند دریایی که بر کنار طنجه و اندلس قرار دارد، بحر محیط است (بیرونی، همانجا)؛ عده‌ای هم معتقد بودند که اکثر جوانب زمین را این دریا در بر گرفته است (نک: حافظ ابرو، ۹۹/۱)؛ ابن خلدون (۸۰۸د/۱۴۰۶م) بر آن بود که این دریا از جنوب تا خط استوا ادامه دارد (ص ۵۷-۵۸). بعضی بر آن بودند که دست کم اقیانوس از ۳ جهت شمال، مشرق و مغرب ربع مسکون را احاطه کرده است (نک: سعودی، ۲۶).

عده‌ای نیز از اخبار بحر محیط آگاه نبودند و سواحل آن را نمی‌شناختند و می‌گفتند: کشتیرانی در آن انجام نمی‌گیرد (نک: ابن خردادبه، ۲۳۱؛ فردینی، ۶۸؛ زهری، ۲). از این نوشته‌ها چنین برمی‌آید که اکتانوس یونانی با دریایی ناشناخته که ظاهراً باید همان اقیانوس کبیر باشد، خلط شده است.

جغرافی دانان عقیده بر آن داشتند که تمام دریاها به هم وصل هستند و از دریای بزرگ محیط منشعب می‌شوند و بحر اعظم نخستین آنهاست که به دریای جنوب معروف است (ابوعبید، ۱۹۰/۱) و در جنوب ربع مسکون متصل به بحر محیط شرقی است (بیرونی، القانون، ۵۳۷/۲) و دریای بزرگ و بحر اخضر محیط بر عالم است (مجمل، همانجا). آنان بر این امر اتفاق نظر داشتند که دریاها عمده مستقیماً به بحر محیط متصلند، مگر در چند مورد استثنایی، از جمله دریای خزر. به‌طور کلی چنین تصور می‌شد که این شاخه‌ها یا خلیجهای بحر محیط دو جبهه در مشرق و مغرب به وجود می‌آورند (یاقوت، همانجا). گاه بحر محیط با بحر مظلم، بحر ظلمت یا بحر ظلمات مترادف بود و به شمال اقیانوس اطلس اطلاق می‌شد (EIP²). زهری می‌نویسد: بحر ظلمات دریایی را که است و حرکت امواج در آن نیست و بادی در آن نمی‌وزد و آفتاب در آنجا دیده نمی‌شود (همانجا).

گروهی از جغرافی‌نویسان جزیره غدیره در مقابل اندلس، و ۶ جزیره موسوم به خالدات یا قناری در مقابل حبشه، و ۱۲ جزیره در قسمت

1. Lacus Asphaltites 2. Encyclopedia...

(Lut Göls)
120 226

1910 (RAPHAEL, Miriam). The Dead Sea. Al-Bahr
al-Mayyit. Yam ha-Melah. *Israel & the Palestinian
territories* / Amelia Thomas [& others]. 6th
edition. Footscray: Lonely Planet, 2010, pp.326-343.

ADDE YAYIMLANDIKTAN
ONRA GELEN DOKÜMAN

27 Nisan 2014